روزنامه شرق

یکشنبه ۲۹ تیر ۱۴۰۴
۲۴ محرم ۱۴۴۷
۲۰ جولای ۲۰۲۵
سال بیست‌ویکم
شماره ۵۱۶۰
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

عصرچریک‌ها: گفت‌وگوی احمد غلامی با طهماسب وزیری

زندگی در وضعیت اضطراری

۶

در «شرق» امروز می‌خوانید: پزشکیان در گفت‌وگوی تلفنی با نخست‌وزیر ارمنستان: زیر بار زور نمی‌رویم • شکل‌های زندگی: پراگماتیسم، درک موقعیت تصمیم‌گیری لحظه • تکذیب اعدام تتلو

تازه‌ترین گزارش مرکز آمار ایران از رشد شاخص فلاکت در بهار ۱۴۰۴ حکایت دارد

خوزستانِ نفت‌خیز، رکورددار شد

گزارش تیتر یک را در صفحه ۴ بخوانید

واکاوی احتمال از سرگیری مذاکرات ایران و اروپا در میانه تهدید به فعال‌سازی مکانیسم ماشه

شطرنج هسته‌ای حرکت تهران در برابر تروئیکا

این گزارش را در صفحه ۲ بخوانید. عکس: پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری

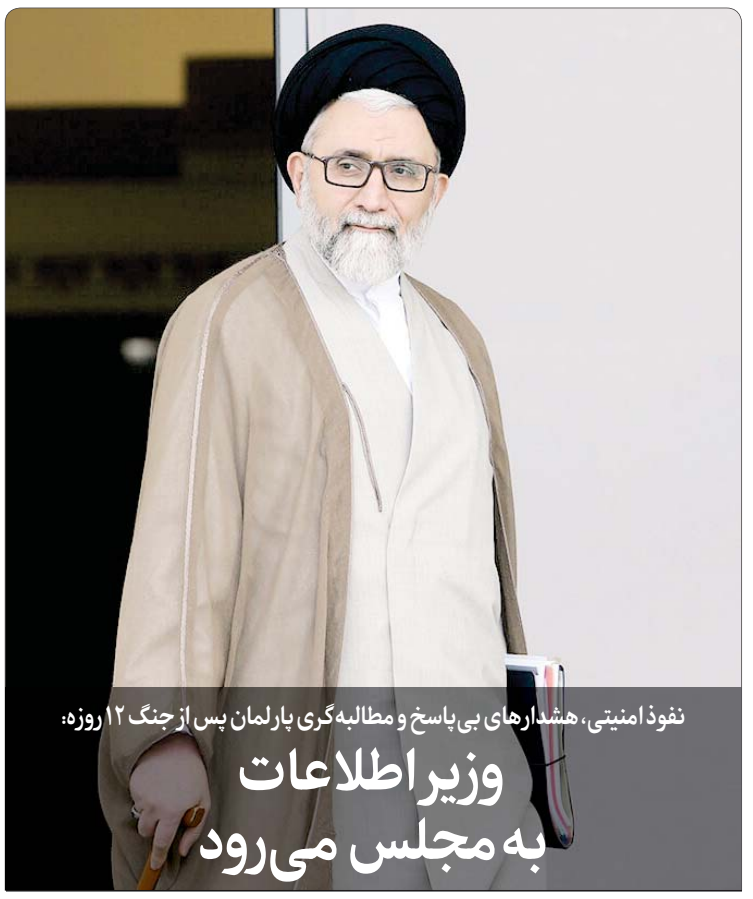

نفوذ امنیتی، هشدارهای بی‌پاسخ و مطالبه‌گری پارلمان پس از جنگ ۱۲ روزه:

وزیر اطلاعات به مجلس می‌رود

این گزارش را در صفحه ۲ بخوانید. عکس: نعرضیه موسوی، ایرنا

یادداشت

از نتایج مثبت یک پدیده کاملا منفی

حسین نصیری

با نگاهی تحلیلی، ایران می‌توانست در این شرایط گرفتار نباشد ولی هست و اینک باید مختصات موقعیت واقعا موجود برای کسب «بیشترین منافع و کمترین آسیب ممکن» واقع‌بینانه بازبینی شود.

استدلال‌های حقوقی جان‌داری از سوی صاحب‌نظرانی برای رد وجاهت حقوقی «اسنپ‌بک» آن سه کشور خاطی مطرح شده که مغتنم است و باید به قوت، غنی و پایه استدلال کشور قرار گیرد. با وجود این، باید دانست که ما در کدام جهان زندگی می‌کنیم.

همه ما با روش متعارف جهان در اعمال زور و توجیه منافع و خواست‌های نامشروع و در صورت اقتضا، عبور از اصول در مجامع آشناییم.

اسرائیل یاغی، به اعتبار پشت‌گرمی حامیان خود، هیچ‌گاه به مصوبات بین‌المللی تن نداده است و جنایات غزه و محکومیت‌های جهانی و گزارش‌های مستدل و بی‌توجهی رژیم جانی اسرائیل، نشانه آشکار آن است. افزون بر آن، حمله به ایران از سوی آن غده سرطانی و نیز آمریکا، کاملا ناقض منشور و اصول مصرح بود، ولی انجام شد و کشورهای مدعی هریک به نوعی در کنار آن -به قول آن بدنام و سابقه آلمانی «کار کثیف»- ایستادند یا دیگرانی که بر آن چشم بستند.

با این مقدمه، به صرف تصور عدم وجاهت نمی‌توان از نتیجه اقدامات کذا و اصولا زیاده‌خواهی‌های آنان مطمئن بود؛ بنابراین این مسئله شایسته توجهی درخور است. با چنین دریافتی، علی‌الاصول مسئولان عالی جمهوری اسلامی نه‌فقط در آن قضیه خاص، بلکه اصولا برای مدیریت شرایط مبتلابه باید بدون تأخیر بیشتر، با کمک‌گرفتن از صاحب‌نظران مختلف، ضمن بررسی دقیق ظرایف و تحلیل کارشناسانه آرایش صحنه سیاسی جهانی و مخاطرات محتمل، چاره‌های متناسب با منافع ملی را جست‌وجو کنند.

بخش مهمی از این تحرک به مأموریت وزارت خارجه بازمی‌گردد.

بنده پیش از این هم عرض کرده‌ام ضمن ارج‌گذاری بر تلاش وزیر محترم و کارشناسان، این تحرک را کما و کیفا، کم‌جان و نابسنده دانسته و به‌هیچ‌وجه متناسب با شرایط خطیر موجود نمی‌دانم.

اقتضای عبور از انفعال، بهره‌گیری صمیمانه از بیشترین توانمندی‌های ملی قابل بسیج است، حتی اگر در تعریف مضیق کسان، «خودی» تلقی نشوند و همه به منظور شناخت بهینه ظرفیت‌های داخلی و خارجی و نیز ارائه طریق برای چگونگی همراه‌کردن کشورها، نهادهای بین‌المللی و... سپس بهره‌گیری از تمام امکانات قابل تحصیل دیپلماتیک و همچنین رسانه‌ای جهان برای تحقق آنهاست.

ما در این مرحله به تدابیری جان‌دار، نقادانه و مدیریتی یکپارچه نیازمندیم؛ روندی پخته، پرتکاپو و اکیدا برخورد قاطع با مواضع ناهماهنگ و غیرمسئولانه ناکسان.

شیوه‌های کلیشه‌ای دیگر پاسخ‌گو نیستند؛ پس شاید لازم باشد در جهت تأمین این هدف ملی، وزارت خارجه با اندیشه‌هایی همه‌جانبه قوام یافته و در سازماندهی جدیدی (حتی اگر موقت باشد) بر این مبنا تجهیز شود و سخت‌کوشانه مراودات دیپلماتیکی را با کشورهای تأثیرگذار منطقه و جهان، سازمان ملل و نهادهای بین‌المللی مرتبط و نیز بهره‌گیری بهینه از رسانه‌ها (به‌ویژه در دامنه تحرک بی‌سابقه افکار عمومی جهانی علیه نسل‌کشی و جنگ‌طلبی)، محافل ضدجنگ و «ان‌جی‌او»هایی با این مشی، برنامه‌ریزی کرده و با ذکاوت و گشودگی، بالندگی نوینی را زمینه‌سازی کند. باید بتوان کارشناسانه از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های ممکن رسمی و غیررسمی سود جست و در دامنه اهداف میان‌مدت و بلندمدت کشور یارگیری کرد.

ادامه در صفحه ۸

یادداشت

ایران؛ از تنهایی استراتژیک تا هم‌گرایی راهبردی

پرهام پوررمضان
پژوهشگر علم سیاست

ایران به دلایل متعدد تاریخی، جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی در موقعیتی منحصربه‌فرد قرار گرفته است که آن را نه‌تنها یک کشور مهم، بلکه یک بازیگر کلیدی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل کرده است. اما این اهمیت همواره به معنای برخورداری از یک جایگاه استراتژیک پایدار نبوده است. در واقع، ایران با وجود برخورداری از مزیت‌های متعدد، در برخی دوره‌ها تنها بوده و نتوانسته است از تمام ظرفیت‌های خود برای تبدیل‌شدن به یک قدرت تأثیرگذار در بلندمدت استفاده کند. این تنهایی استراتژیک ریشه در عوامل مختلفی دارد که از جمله می‌توان به چالش‌های داخلی، سیاست‌گذاری‌های نادرست، فشارهای خارجی و همچنین تحولات ساختاری در نظام بین‌الملل اشاره کرد. از نظر تاریخی، ایران همواره به دلیل موقعیت جغرافیایی خود به عنوان پلی بین شرق و غرب شناخته شده است. این موقعیت به آن امکان داده تا در طول قرن‌ها نقش مهمی در تجارت و سیاست بین‌الملل ایفا کند، اما همین موقعیت حساس، ایران را به عرصه‌ای برای رقابت قدرت‌های بزرگ تبدیل کرده است. در دوران معاصر، پس از انقلاب اسلامی، ایران سیاست مستقل‌تری را در پیش گرفت که اگرچه به تقویت هویت ملی و خوداتکایی منجر شد، درعین‌حال آن را در تقابل با برخی بازیگران جهانی قرار داد. این تقابل، به‌ویژه در قالب تحریم‌ها و محدودیت‌های اقتصادی، فشار درخور توجهی بر کشور وارد کرده و تا حدی امکان تعامل سازنده با دیگر قدرت‌ها را کاهش داده است.

در بعد داخلی، چالش‌های اقتصادی و اجتماعی نیز به این تنهایی دامن زده‌اند. اقتصاد ایران با وجود برخورداری از منابع عظیم نفت و گاز، نتوانسته است به‌درستی از این مزیت‌ها برای ایجاد رشد پایدار و توسعه متنوع استفاده کند. وابستگی به درآمدهای نفتی، نوسانات قیمت نفت و تحریم‌های بین‌المللی، اقتصاد کشور را آسیب‌پذیر کرده و امکان برنامه‌ریزی بلندمدت را کاهش داده است. از سوی دیگر، مسائل اجتماعی مانند نابرابری، بیکاری و برخی محدودیت‌های سیاسی نیز به کاهش انسجام داخلی انجامیده و گاه باعث شده ایران نتواند از تمام ظرفیت‌های خود در عرصه بین‌المللی استفاده کند. در سطح منطقه‌ای نیز ایران با چالش‌های متعددی روبه‌رو بوده است. اگرچه ایران توانسته است در برخی موارد نفوذ خود را در کشورهای همسایه افزایش دهد، اما این نفوذ همواره با مقاومت و مخالفت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای همراه بوده است.

در نظام بین‌الملل نیز ساختار قدرت به گونه‌ای تغییر کرده که ایران را با محدودیت‌های بیشتری مواجه کرده است. پس از جنگ سرد، نظام بین‌الملل به سمت چندقطبی‌شدن پیش رفته، درعین‌حال قدرت‌های بزرگ مانند آمریکا، چین و روسیه همچنان نقش تعیین‌کننده‌ای در تعیین معادلات جهانی دارند. ایران اگرچه توانسته روابط خود را با برخی از این قدرت‌ها، مانند روسیه و چین، تقویت کند، اما این روابط عمدتا بر پایه منافع کوتاه‌مدت و نه الزاما براساس یک همکاری استراتژیک عمیق شکل گرفته‌اند. از سوی دیگر، سیاست خارجی ایران در برخی موارد، مانند برنامه هسته‌ای یا حمایت از گروه‌های منطقه‌ای، باعث شده بسیاری از کشورها با احتیاط با آن رفتار کنند و این به انزوای نسبی ایران در صحنه بین‌المللی انجامیده است.

با این حال، ایران همچنان ظرفیت آن را دارد که از این تنهایی استراتژیک خارج شود. برای دستیابی به این هدف، لازم است در سیاست‌گذاری‌های داخلی و خارجی بازنگری شود. در سطح داخلی، تقویت اقتصاد غیرنفتی، افزایش شفافیت و پاسخ‌گویی و ایجاد فضای مشارکت سیاسی گسترده‌تر می‌تواند به انسجام بیشتر ملی و کاهش آسیب‌پذیری در برابر فشارهای خارجی بینجامد. در سطح خارجی نیز ایران می‌تواند با اتخاذ دیپلماسی فعال‌تر و انعطاف‌پذیرتر، به دنبال ایجاد توازن در روابط خود با قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای باشد. گسترش روابط اقتصادی با همسایگان و کاهش تنش‌ها از طریق گفت‌وگو می‌تواند فضای جدیدی برای همکاری‌های استراتژیک ایجاد کند.

ادامه در صفحه ۸

سرمقاله

گزینه‌های پیش‌روی ایران در اسنپ‌بک

کیومرث اشتریان

سازوکار ماشه یا «اسنپ‌بک» تهدیدات گوناگونی برای ایران دارد و بنابراین سیاست‌های متفاوتی برای وضعیت جدید باید در پیش گرفته شود. در تحریم‌های پیش و پس از برجام هرکس که مقصر بوده باشد، راهی جز تدبیر و تأمل برای راه‌حل‌های چندوجهی نداریم. به‌جای سرزنش رقیب و بهره‌برداری از رنج مردم برای بالابردن جناح خود باید اندیشید که چه می‌توان کرد؟ پیش از این درباره چهار سیاست اصلی که مسئولیت آن با ارکان اصلی نظام است، سخن گفته‌ایم. اول، اقتصاد درون‌زای مقاومتی و ضرورت راهگشایی برای سرمایه‌داری ملی. دوم، بازتعریف و بازآرایی سیاسی که مهم‌ترین آنها توسعه سیاسی از طریق راهگشایی برای پنج حزب بزرگ سیاسی و انتخاب همه ارکان حکومتی و نهادهای سیاسی به صورت مستقیم توسط مردم و بدون محدودیت‌های مرسوم است. سوم، تقویت قدرت نظامی. چهارم، اتخاذ سیاست موازنه مثبت در رویارویی استراتژیک چین و آمریکا. پنجم، اقدامات رسمی و یک‌جانبه حقوقی در اعمال محدودیت‌های غنی‌سازی که در این یادداشت به این آخری می‌پردازم.

تجاوز آمریکا-اسرائیل، حمایت اروپا از آن و سوءاستفاده از سازوکار ماشه (که عملا اروپا را از میانجیگری به گردونه تقابل نظامی می‌کشاند) تهدیدات علیه ما را خطرناک‌تر کرده است. در چنین شرایطی چه می‌توان کرد؟

یک گزینه این است که اگر قرار باشد برای دفع جنگ محدودیت‌های غنی‌سازی اعمال شود، این تصمیم از طریق اعلامیه‌های یک‌جانبه و ثبت در مجامع بین‌المللی صورت گیرد و نه در جریان مذاکره و امتیازدادن به آمریکا و اروپا. یعنی: اعلامیه یک‌جانبه رسمی، اطلاع‌رسانی و ثبت در سازمان‌های بین‌المللی مرتبط، دبیرخانه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، دبیرخانه سازمان ملل متحد/ شورای امنیت یا ثبت رسمی یک پیشنهاد سیاسی/ نقشه راه. این تصمیم می‌تواند مستظهر به یک قطع‌نامه شورای امنیت هم باشد چراکه ایران نشان داده است که تمایلی به جنگ ندارد و کارکرد نظامی انرژی هسته‌ای نیز از نظر ایران منتفی است. چرا چنین گزینه‌ای موجه است؟

اولا، نشان‌دهنده اراده سیاسی ایران برای اعتمادسازی در کلیت جامعه بین‌المللی است و نه به طرف‌های مناقشه که اعتمادسازی را با تسلیم گره زده‌اند. بدین‌سان ایران حلقه اروپایی-آمریکایی را در این بحران دور می‌زند و اندکی دست آنها را برای اعمال فشارهای ناشی از تعهدات چندجانبه محدود می‌کند. آیا این به معنای اجتناب از مذاکره است؟ ممکن است؛ اما نه ضرورتا. شما گستره وسیع‌تری از مخاطبان پیدا می‌کنید. راه مذاکره مستظهر به قدرت موشکی نباید بسته باشد. در چنین وضعیتی مذاکره می‌تواند در بستر عمومی‌تری با حمایت دبیرکل سازمان ملل انجام شود.

ثانیا، با توجه به یک‌جانبه‌بودن این تصمیم، ایران می‌تواند هر زمان که بخواهد (بدون درگیرشدن با اروپا و آمریکا) از آن عدول کند. چون سابقه آنها نشان داده که نه‌تنها امکان رفع تحریم‌ها در برابر امتیازدهی ایران منتفی است، بلکه توقعات آنها در سایه سنگین اسرائیل، شامل توان موشکی هم می‌شود که ایران نمی‌تواند آن را بپذیرد. در پیمان چندجانبه، تعهداتی پذیرفته می‌شود که به سوءنیت طرف آمریکایی-اروپایی گره می‌خورد. نکته مثبت تعهدات یک‌جانبه آن است که ایران هر گاه بخواهد می‌تواند حق خود را طبق مقررات بین‌المللی بازپس گیرد.

ثالثا، چنین اقدامی می‌تواند استفاده از سازوکار ماشه را فاقد وجاهت حقوقی و اخلاقی کند و در پیامد آن استفاده از اقدام نظامی را نیز نامشروع کند. اگرچه زورگویی و فقدان حسن نیت رسم مرسوم طرف‌های ایران در برجام است و هیچ تضمینی برای بهره‌نگرفتن آنان از قوه قهریه نیست اما در هر صورت تخلیه عملیاتی دستاویز حقوقی برای اقدام نظامی علیه ایران ضروری است.

رابعا، امکان شکایت به دادگاه بین‌المللی دادگستری برای ایران درخصوص فعال‌سازی به ناحق سازوکار ماشه فراهم است. اگرچه برجام یک معاهده بین‌المللی به معنای سنتی نیست، اما ایران می‌تواند از طریق دیوان بین‌المللی دادگستری یا سایر نهادهای بین‌المللی شکایت کند. در این راستا هرچند چالش‌های عمده‌ای وجود دارد اما امکان شکایت را به‌کلی منتفی نمی‌کند.

ادامه در صفحه ۸

برگزیده‌ها

تلاقی بحران‌های داخلی و رقابت‌های منطقه‌ای در سایه آتش‌بس در جنوب سوریه

بازی قدرت در «سویدا»

۵

توهین جناحی به فیلم دفاع همگانی از سینما

۱۲

«شرق» انتقادات به طرح «تشدید مجازات جاسوسی» را در گفت‌وگو با حقوقدانان بررسی کرد

تحدید حقوق شهروندی

۱۰

گزارش «شرق» از وضعیت ۴ مدعی اصلی لیگ‌برتر

لیگِ شروع نشده و هَزار دردسر

۹

تحول صنعت خودروسازی ایران

زمینه‌ای برای احیای اقتصاد محلی و توانمندسازی مناطق کم‌برخوردار

۸

نگاه

تیپولوژی جنگ ۱۲روزه

یادداشتی از معصومه انتظام

۲

یادداشت

۱۲ روز جنگ، ۵۰ سال جهش؟

غلامرضا نظربلند
تحلیلگر

یکی از رؤسای سه قوه گفته است: «جنگ ۱۲روزه، ۵۰ سال ما را به جلو برد. اگر این جنگ رخ نمی‌داد به درکی که در این ۱۲ روز به آن رسیدیم، نمی‌رسیدیم». اینکه در بیان مطلب چقدر سخن به گزاف گفته شده یا چقدر جغرافیای سخن (بیان مطلب در حضور بازماندگان بلندپایه‌ترین فرمانده نظامی کشور) دخیل بوده، روشن نیست؛ اما مطمئنا جنگ ۱۲روزه و تحولات پیشین و پسین آن می‌تواند برای حکمرانان و کشور بسیار درس‌آموز و آینه عبرت بوده باشد. ای‌کاش ایشان فرصت داشت یا تا آنجا که مصلحت می‌دانست، جزئیاتی از آن درس‌های آموزنده را که نهاده یک روزش به اندازه بیش از چهار سال ستانده در بر داشته، به آگاهی عموم می‌رساند. بااین‌حال، در غیاب این مهم، خود را ناچار از آن می‌بینیم که با توسل به گمانه‌زنی و پذیرش نصابی از خطای تحلیل و تبیین، سعی کنیم برداشتی مقرون به صحت ارائه دهیم. به گمان نگارنده، اظهارات فوق، خروجی چندرشته‌ای گوناگون و گزاره‌های چندوجهی-چندعاملی پیچیده‌ای است؛ ناظر بر علم و هنر حکمرانی است که خود جامع همه علوم و فنون گذشته، حال و حتی آینده است؛ علوم و فنونی که هم سیویل است و هم نظامی، هم پنهان است و هم آشکار، هم متضمن علوم دقیقه است و هم شامل علوم انسانی و آن‌هم رشته‌ها و زیررشته‌های گوناگون آن دو و قس علی‌هذا. حال اگر بخواهیم با کنارگذاشتن اطناب سخن مزبور، به چکیده آن دسترسی پیدا کنیم، باید همان نکات درس‌آموز را حدس بزنیم که می‌تواند متبادر به ذهن شود. به منظور تبادر آسان‌تر آن نکات به ذهن، ضروری است راه استفهام و پرسشگری از آنچه را مرتبط با موضوع است و واقعیت بیرونی یافته و نیازی به تحلیل و تفسیر و تأویل ندارد، در پیش بگیریم و با مطرح‌کردن آنها، درصدد یافتن پاسخ‌هایی مناسب و درخور شأن باشیم.

ادامه در صفحه ۸